



منزلت و کرامت انسان

پس از لحاظ خلقت انسان به وجه نیکو و نیکوتر آفریده شده است. و گرچه گفته شده است که آغازش از گل است و ظاهراً "برای خاک مقامی نازل قائل میشویم، اما واقعا" اگر خاک نباشد یا آنرا از طبیعت بدرکنیم چه میماند؟ درعین حال اگر ماده اول انسان خاک است ولی گلی است که خداوند از روح خود در آن دمیده است و می فرماید (۳): پس چون آنرا معتدل و مستقیم نمودم و از روح خود در آن دمیدم پس باید که برای او بسجده افتید؛ لذا شائن و شرف انسان بخاطر روحی است که در این خاک و گل دمیده شد، و بخاطر منزلت و رفعتی است که خداوند بدو داد. و در این رابطه

خداوند می فرماید (۱): هرآینه شمارا آفریدیم، آنگاه صورت بندی کردیم، سپس به ملائکه گفتیم برآدم سجده ببرید... اینک خداوند دستور بدهد ملائکه برآدم سجده کنند نشانه عظمت این مخلوق نزد خداوند است. و دلیلی راهم که شیطان برافضل بودن خلقت خودش اقامه کرد نشانه اینستکه مساله شائن و شرافت میان آدم و ملک مطرح بوده و خداوند آدمی را برتر دانسته است.

و باز می فرماید (۲): خداوند است که نیکو گرداند خلقت هرچیز را و خلقت انسان را از خاک آغاز نمود؛ در این آیه که سخن از احسن است نام انسان نیز آمده

غفلت کرد و لغزش نمود مجدداً "به راه آید و احساس آرامش کند و مایوس و درمانده نماند .

خلقت انسان آنچنان متکامل و معتدل است که خداوند می‌فرماید (۵) : ما انسان را در " احسن تقویم " نیکوترین صورت در مراتب وجود بیافریدیم : زیرا از حیث قامت و برو بازو به وضعی است که توانائی انجام کارهای لازم را داراست . و از لحاظ ادراک و شعور و حافظه و تفکر در وضعی است که می‌تواند تدبیر داشته باشد و مدیریت کند و پیش‌بینی امور بنماید .

و خلقت بقدری شکوه‌انگیز است که خداوند بعد از این که یک مرحله تکوین انسان را از نطفه بودن تا زمانیکه استخوان و گوشت پیدا می‌کند ، آنگاه دارای حرکت و روح میشود ، می‌شمارد ، در نهایت می‌گوید (۶) : آفرین بر قدرت آفریننده :

نشانه دیگر حرمت و عظمت انسان اینست که هر کدام از انبیاء بخاطر نوع عبودیت و تسلیمی که داشته‌اند مورد تجلیل خداوند قرار گرفته‌اند .

در مورد حضرت ابراهیم فرموده است (۷) : همانا ابراهیم (ع) بسیار حلیم و رئوف بود و بسیار بدرگاه خدا تضرع و دعا داشت (آمزش خود و بندگان را می‌طلبید) . و می‌فرماید (۸) : زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همگی شان از صالحان بودند : و می‌فرماید (۹) : و یادکن در کتاب

خداوند می‌فرماید (۴) : ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آنها را به مرکب خشکی و دریا سوار کردیم و ازهر غذای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم .

حاصل برداشت از آیات فوق اینست که انسان بر اساس خلقت و به اعتبار خالق ، ارجمند آفریده شده و حیثیت و منزلت داشته ، و مقامش از ملائکه هم برتر بوده است ، دلائل دیگری نیز هست که نشانگر ارج و بهای انسان نزد خداوند است و برخی از آنان بشرح زیراند :

الف : خداوند اسماء حسنی به انسان آموخت و چیزی را که نمیدانست بدو یاد داد .

ب : خداوند کتاب نازل کرد و میزان عدل تعیین نمود و نیک و بد را به انسان شناساند .

ج : قدرت تشخیص نیک از بد را به انسان داد .

د : انبیاء را اعزام فرمود تا یکی پس از دیگری و در هر عصری به اقتضای آن دوره تعالیم لازم را بدهند . و آنچه را انسان فراموش کرده بیادش اندازند . انبیاء را از خود انسان‌ها برگزید تا به آنچه می‌گویند : عمل کنند و انسانها یقین کنند که فرامین الهی به توسط انسان انجام پذیر است . و انبیاء هر کدام اسوه بودند .

ه : باب توبه گشود تا اگر انسانی

خود شرح حال موسی را که او بسیار بنده‌ای
با اخلاق و رسولی بزرگ و مبعوث به پیامبری
بود :

و می‌فرماید (۱۵) : و به داوود
فرزندش سلیمان را عطا کردیم . او بنده‌ای
نیکو بود ، بدرگاه خدا با تضرع رجوع
می‌کرد .

و می‌فرماید (۱۱) : بزرگوار خداوندی
است که قرآن را بر بنده خود (محمدص)
نازل فرموده تا برای اهل عالم بیم دهنده
باشد :

با پیامی ویژه و هم برای تجلیل از مقام
رسول الله به اهل بیت او بعد از اینکه توصیه
می‌فرماید زنان بی‌جهت از خانه‌هایشان
بیرون نروند ، و مثل دورد جاهلیت آرایش
نکنند ، و نماز بپا دارند ، و زکوه بدهند ، و
از خدا و رسول اطاعت کنند ، اعلام
می‌نماید که (۱۲) : خدا چنین می‌خواهد که هر
آلایشی را از شما خانواده نبوت برد ، و
شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند :

باز با تجلیلی بی‌نظیر در مورد
خاتم الانبیاء (ص) می‌فرماید (۱۳) : خدا و
فرشتگانش به روان پاک این پیغمبر درود
می‌فرستند شمام ای اهل ایمان براو
صلوات بفرستید و با تعظیم و اجلال براو
سلام بفرستید :

این تجلیل‌ها که نشانه‌های نقل شد
که انسان در بهترین وضعیت موزون خلق
شده ، و اینکه خداوند اختصاصاً "در مورد

خلقت انسان ، خود را بهترین خلق کنندگان
خوانده است ، دلیلی بر عظمت انسان از
لحاظ تکوین است .

صفات از قبیل ، حلیم ، رئوف ، دعا و
تضرع‌کننده ، صالح ، مخلص ، توبه‌کننده و
نهایتاً "عبد" که به انبیاء نسبت داده
شده مبین اینست که انسان‌های برگزیده
بجهت اینگونه صفاتشان لیاقت نبوت
داشته‌اند . و هر انسانی که می‌خواهد
توبیت شود و در مسیر رشد قرارگیرد باید
این صفات را در خود متجلی سازد . و هر
انسان قادر هم هست که چونان این
رسولان ، بدین صفات کم و بیش خود را
بیاراید . و هر معلمی که بخواهد به جامعه
رشد بدهد بایستی به اینگونه صفات توجه
داشته باشد تا ضمن استقرار آنها در نفس
خویشتن نوجوانان را نیز تذکار و آگاهی
دهد . و از اینکه به خسران و زیان افتند
شاگردان را بیم دهد و بر حذر گرداند .

در مورد خاتم النبیین که سرور کائنات
است ، باز به صراحت تجلیل شده و به وی
صفت "عبد" اطلاق شده و چون "عبد"
است ، فرقان که فرق گذارنده میان خیر و شر
است براو نازل شده است . و چون خانواده
اونیز در تربیت اجتماعی و پرورش نفسانی
مردم موثراند از آنان خواسته شده که
رعایت حجاب ، نماز ، زکوه و غیره را بکنند .
تصریح شده که خداوند اراده دارد که این
خانواده ظاهر باشند . و راه طهارت نفس

هم همان رعایت حجاب و نماز و سایر طاعات است که نسبت به خدا و رسول خدا باید منظور دارند.

برداشتی که از این دستور ویژه خداوند به اهل بیت میتوان کرد، اینستکه این خانواده مسئولیت و تکالیفشان نه تنها سبکتر از سایر مردم نیست بلکه سنگین تر است. و اگر لحن خطاب متوجه آنهاست از یکسوی وظیفه عمومی همه مردم را نیز میرساند. و اگر برای خاندان رسول (ص) سند افتخارآمیز است، این شرافتمندی را بخاطر طاعت خدا و رسول و رعایت کامل موازین احراز می کنند.

تحلیلی که با ذکر صفات از انبیاء به عمل آمده بخاطر امتحاناتی است که داده اند و مراتب عبودیت و تسلیم و ایمانی است که داشته اند. پس آنچه را از خدا خواهی که به فطرت داشته اند به نیکی نگه داشته، و از آلائش آن جلوگیری کرده، و نفس را مرتب تهذیب کرده اند. و بدینجهت است که به فلاح رسیده اند.

حاصل اینکه مخلوقی را که خدا آفریده است از اول آلوده نبوده و از او خواسته نشد ده که از مسیری که بسوی الله است منحرف و منحرف گردد بلکه قویا "خواسته شده که پاک بماند و خود را نیکو نگه دارد. . . و اینک سخن برسر اینستکه به این انسان قدرت انتخاب و فرصت تصمیم گیری و موضع گیری داده شده است.

خداوند می فرماید (۱۴): ما راه (حق و باطل) را باو نشان دادیم، خواه سپاس - گزارد و خواه کفران (نعمت) کند. و می فرماید (۱۵): بگو دین حق همانست که از جانب پروردگار شما آمد، پس هرکه میخواهد ایمان آورد، و هرکه میخواهد کافر شود، ما برای ظالمان آتشی مهیاداریم. . . و می فرماید (۱۶): این قرآن جز پند و نصیحت اهل عالم هیچ نیست، تا هرکه از شما بندگان بخواهد راه راست (حق پرستی و سعادت ابد) پیش گیرد.

براساس برداشتی که از این آیات می کنیم، انسان در گزینش راه طاعت یا ضلالت و راه الله یا طاغوت آزاد است. و این اختیار بعد از اینکه شروخیر به او معرفی شده است، داده شده. و به رسول الله هم اخطار شده که وظیفه تو جز ابلاغ رسالت (۱۷) و انذار چیزی نیست. پس رسول خدا کسی را مجبور نمیکند که حتما "دین را بزور بپذیرد.

رابطه خداوند با مخلوق در کمال رافت است و انسان را برای اینکه به سعادت برسد به عبودیت دعوت می کند و می فرماید (۱۹): ای مردم بپرستید خدایان را که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید باشد که (به سبب طاعت و معرفت) منزه شوید: آیات فوق جملگی دلالت بر این دارند که مخلوقی را که خداوند آفریده است بر فطرت پاک است و انسان مورد لطف

خالق بوده و خداوند به او قدرت فهم و اراده داده، نبی فرستاده تا او را آگاه نماید، میزان صحیح رفتار معلوم داشته و معرفی کرده، و او را در پذیرش فرمان خویش مخیر کرده است، و شیطان را و شیطنی را که در نفس انسان است کاملاً معرفی فرموده. و از انسان خواسته است که اطاعت شیطان و پیروی هوی نکند. مع الوصف انسان که لذت جو است و مستکبری می کند اکثراً "سراز فرمان می پیچد. و این دیگر خواست خدا نیست بلکه میل نفسانی انسانست و در این رابطه می فرماید (۲۰):

خداوند ستم نمی کند به مردم چیزی را ولی نفس خودشان است که ستم می کند:

(۷) هور $\frac{۱۱}{۶۳}$ اِن اِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمًا وَاَهٗ مِنْبِیِّ الْعَامِ $\frac{۶}{۸۵}$ وَ زَكَرِيَّا وَيَحْيٰى وَعِيسٰى وَ الْيٰسَّ كَلِّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ .
 (۹) مریم $\frac{۱۹}{۱۸۵}$ وَ اذْكُرْفِ الْكِتٰبِ مُوسٰى اِنهٗ كَانَ مُخْلِصًا وَاَنَّ رَسُوْلًا نَّبِيًّا .
 (۱۰) ص $\frac{۱۸}{۳۰}$ وَ وَهَبْنَا لِداوُدْ سُلَيْمٰنَ نِعَمَ الْعَبْدِ اِنَّهٗ اَوَّابٌ .

(۱۱) فرقان $\frac{۲۵}{۲۰۴}$ تَبٰرَكَ الَّذِی نَزَلَ الْفُرْقٰنَ عَلٰی عَبْدِهٖ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِيْنَ نَذِيْرًا .
 (۱۲) احزاب $\frac{۳۳}{۲۰۴}$... اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا .

(۱۳) احزاب $\frac{۳۳}{۵۶}$ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَکَتِهٖ یُصَلُّوْنَ عَلٰی النَّبِیِّ یٰ اٰیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا .

(۱۴) دهر $\frac{۷۶}{۳}$ اِنَّا هَدٰیْنٰهٗ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كٰفِرًا .

(۱۵) كهف $\frac{۱۸}{۲۹}$ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُکْفِرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ نَارًا .

(۱۶) نور $\frac{۲۴}{۵۴}$ وَمَا عَلٰی الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ .

(۱۷ و ۱۸) ابراهیم $\frac{۱۴}{۵۲}$ هٰذَا بَلٰغُ الْبَلٰغِ وَلِيُنذِرَ رُوْا بِهٖ .

(۱۹) بقره $\frac{۲}{۲}$ یٰ اٰیُّهَا النَّاسُ اَعْبُدُوْا بَیْتِکُمْ الَّذِیْ خَلَقَکُمْ وَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ .

(۲۰) یونس $\frac{۱۰}{۴۴}$ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُظْلِمُ النَّاسَ شَیْئًا وَ لَکِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُوْنَ .

(۱) اعراف $\frac{۷}{۷}$ وَلَقَدْ خَلَقْنَاکُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاکُمْ ثُمَّ قَلْنَا لِلْمَلٰئِکَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ
 (۲) سجده $\frac{۳۲}{۷}$ الَّذِیْ اَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهٗ وَ بَدَا خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِیْنٍ .
 (۳) حجر $\frac{۱۵}{۲۹}$ فَاذْاَسُوْنٰهٗ وَ تَفَخَّتْ فِیْهِنَّ رُوْحِیْ نَفْعُوْا لِهٖ سٰجِدِيْنَ .
 (۴) اسراء $\frac{۱۷}{۷۰}$ وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِیْ اٰدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّیِّبٰتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلٰی کَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیْلًا .
 (۵) تین $\frac{۹۵}{۳}$ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِیْمٍ .
 (۶) مؤمنون $\frac{۲۳}{۱۳}$ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِیْنَ .